

بازرسی شد
۲۶ - ۲۷

مغزنامه پرنس رودولف و لیمبورگ
ترجمه عارف خان از ترکی

بازدید شد
۱۳۸۲



نمره دفتر ۷۹۲۴ ۱۸۹۵ کتابخانه مجلس شورای ملی

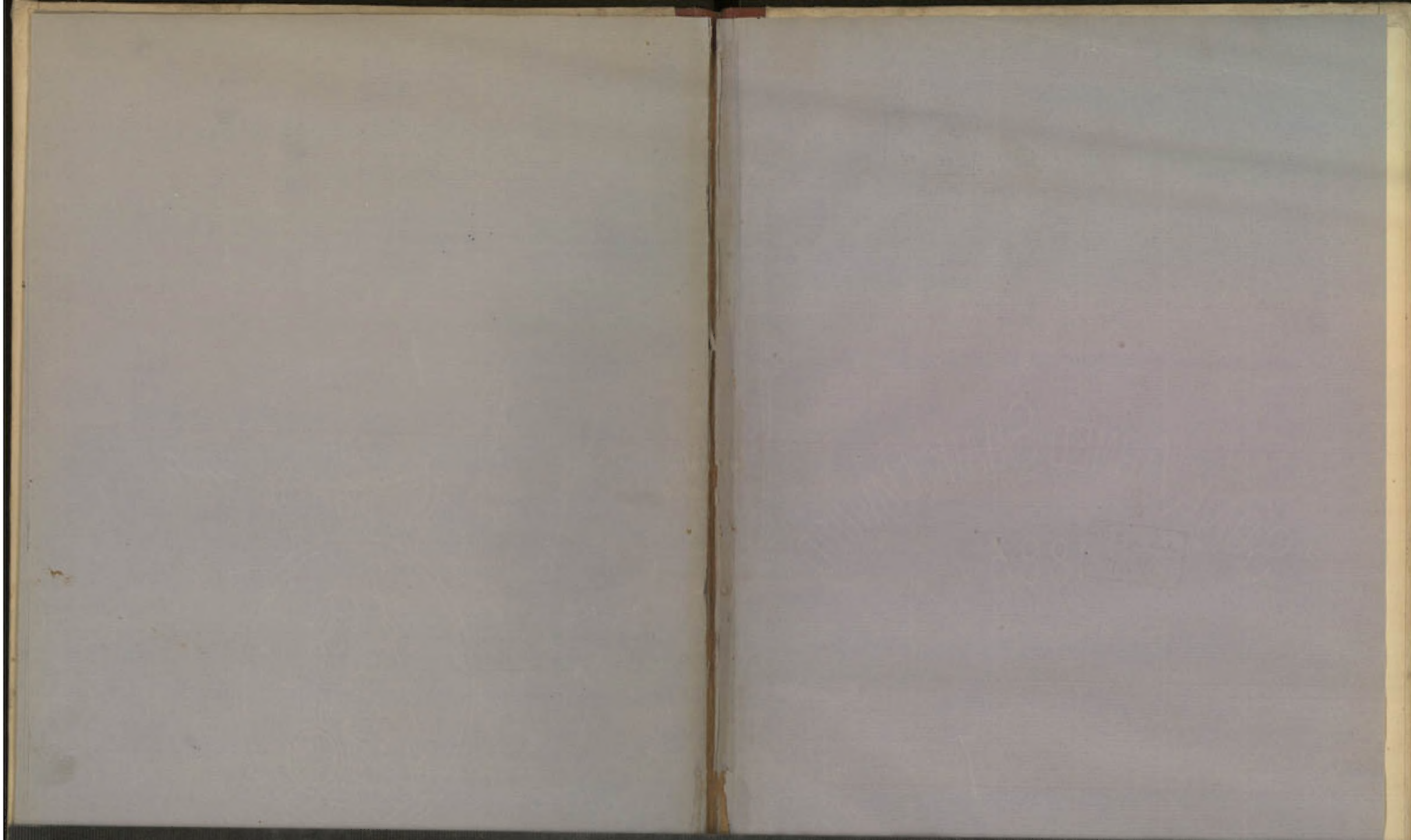
جلد ۱۲۰

منجمه کتب خریداری جبهه

۲۷۰۲

۵۵۲۵

کتاب فهرست شده
۲۷۰۲



سفرنامه پیرایه رود وOLF و لیعهد دولت اطیش و مجارستان که بار و جود
پرنس سل استافان سلایویش و شریف برده و از آنجا به دوسه فصد بعد ملک خود

عودت فصول اند

(بروگرار)

بجهدت قشیرینفات



جناب قامت آب (آرشیدک رود وOLF) و لیعهد دولت اطیش و مجارستان برکت
زوجه محترمه خوشان امروز که بیستم جمادی الآخر سنه ۱۲۸۵ هجری و پنجمین رومی قشیری و مقدم ماه
مذکور است ۱۸ میلادی در پنجشنبه است قبل الزوال در ساعت ده اسلامبول رات شریف خوان
فرمود .

کشتی های دودی که بجهت استقبال مغزی الیه محیا گردید شش ساعت قبل از وقت زوال از لنگرگاه
ببخروج غریمت حرکت داده و دو ساعت زوال مانده یعنی در ساعت ده و پنجاه عمارت (طلوبه باخته)
رسید لنگر انداز اقامت خواهند فرمود .

آرشیدک و آرشیدشس حضراتی که مستحب رکاب مغزی الیه میباشند بعد از آنکه ارکشت قدم به
(اسکله) بگذرانند کال که چهار اسبه سبطه را دست تصحیح رکاب مغزی الیه میباشند به کال که با کال که ارکال که
خانه های تویه فرستاده خواهند شد سوار شده مستقیماً بعمارت عالی (میلدر) غریمت خواهند کرد .
وقت معالی سمات حضرت تاجداری و حاکمیکه تمامی ارکان واعیان (ماین همایون) اسناد واعیان و عمله
خوت (حضور داشته باشند مغزی الیه را استقبال قبول خواهند فرمود

بعد از اجرای رسم پذیرش مسافین مغزی و شال الیم به (قصر شاله) که از جانب اعلیحضرت همایون بجهت
اقامت مغزی الیه محضه صاهیه و شخصیت گردیده عودت خواهند کرد .

از جانب سنی الجوانب اعلیحضرت تاجداری هم بدون توقف یعنی ده دقیقه بعد از حرکت مسافین رسم پذیرش

و خوش آمدی بعمل آورده خواهند شد .

همان روز مغزی الیه بعضی مواقع اسلامبول را تماشا کرد و شب هم در قصر مذکور استراحت خواهند کرد .

فردا که روز جمعه است رسم عالی (سلام جمعه) را تماشا کرده بعد بنهارخانه دولت اطیش تشریف برده عموم
سفرای دول معتبران و معوشان تمامی بجهت دولت اطیش و مجارستان را که در محاکم عثمانی شش پذیرش
متعاقباً رسم پذیرش سفرای دول را تماشا آورده و بعضی جایای اسلامبول را تماشا نمود و طرف مغرب بسا فرخانه خود
شان عودت کرده همان شب (شب شنبه) بمهمانی فوق العاده اعلیحضرت سلطان که بجهت مسافین تویه نمود
میشود به (ماین همایون) اقامت کا و سلطان) تشریف خواهند برد .

محض استقبال مسافین مغزی و شال الیم معتبران بجهت دولین اطیش و مجارستان و بزرگیک سوار کشتی شد
از لنگرگاه گذشته تا دریای سیاه خواهند رفت .

بجهت رکوب کشتی چاکه معتبران بجهت دولین معین (بلیت) فرستاده تمامی روزنامه نگاران اسلامبول هم
(بلیت) فرستاده از جانب کومپانیه (لویید) مهمانی داده خواهند شد .

محض انیم (پرنس استیفانی) زوجه و لیعهد دولت شار الیه و شال الیم بزرگیک است بعد از معتبران بجهت دولت
بزرگیک رسد در رسم استقبال اثبات وجود خواهند کرد .

محض نظم و شال راه آهن سیو (بالسن) مدیر عمومی راه های روم المیا (وارنه) خواهند رفت و معتبرانیکه
از وارنه بجهت استقبال مسافین مغزی و شال الیم غریمت خواهند نمود و او را راه آهن بلیت بجای خواهند داد
مسافین مغزی و شال الیم پنج روز در اسلامبول توقف فرموده روز ششم بدرسم رفته بعد از یک روز عودت
و بطرف مملکت خودشان غریمت خواهند فرمود .

— دسم استقبال —

امروز که روز پنجشنبه بیستم جمادی الآخر سنه ۱۲۸۵ هجری است بقیه مسافین بجهت فرودگشته که محض رکوب
استقبال از جانب شرکت (لویید اطیش) بجهت استقبال حضرات مسافین محترمه تویه و شخصیت

کردانید و بود سوار شده ساعت شش او فرامی بیدار گشته بمانده حرکت کرد و گشتی بخار (سرس) پیش
میرفت

در عقب حرکت در بالای گشته (سرس) که معتبرن استقبال و روزنامه کاران سوار می بودند یک دسته
موزیک شروع با اجرای آهنگ نمودار گشته های دیگر هم صدای موزیک شنید: میشد.

استقبال پیش از سه هزار نفر بود در میان عجران جناب (ریحی) پاشای ایرتومان افواج اطفاشیه
حضور داشتند چندی نگذشت که بجایار (چقولا) و قنوه شیر و اردو پای و شیرینی و (کونیک) داده شد
بجبهه پیرا و تکریم استقبال (میو ژوزف کورنی) (سر) (اجیت) شرکت لوید ماور بود راسته
تای استقبال از شوالیه ایشان دارند.

بنگامیکه بجایار اناطولی رسید حرکتی با سرعت یافت نگاه کرد (قواق) (روای) (تیوبه) نام
گشته که از برای سفارت پست می آورد دیده شد سرعت حرکت گشته های استقبال را و بستی گذشت
در پیش لنگرگاه (کوچک لیان) که رسید گشته (میرامار) که مسافرن مغزی و شار الیم در او شده و قوب
گشته مذکور (عزالدین) نام گشته نمایونی بظرافه بنا بر این ناخدا با فرمان داده و آن واحد عمو گشتی بای
استقبال را با بید قهای کونا کون مزین نموده و (قنوه) پرده های گشته را برداشته که کی ساعت بیت توقیف
از دست گذشته بود.

مسافت جزئی که پیش رفته گشته (میرامار) نزدیک شد و رسم سلام را ایفا و موزیک های استقبال
باجرای آهنگ (مارش) امپراطور اطریش و پادشاه مجارستان شروع نمودند.

از آن طرف دسته موزیک مکمل گشته (میرامار) هم با مقابل (مارش حبیب) رانده و از موزیک گشته
عزالدین نیز اطمار پیروی کردید گشته (میرامار) جلو رفت

(پنس و پنس) در اطاق دم گشته نشسته بودند بعد گشته های استقبال نیز برگشته و قطار شده
گشته (میرامار) را تعقیب نمودند

بنگامیکه گشته (میرامار) از قواق امیکه گشته از استحکاماتیکه در سواحل روم ایلی و اناطولی واقعند
بید گشته در رسم سلام اجرا کرده و این رسم سلام از جانب دو دسته افواج منبیس کیکی در ساحل روم ایلی
و یکی در ساحل اناطولی در استحکامات ایستاده موقع احترام می نمودند بجل آورده شد.

مواقع گشتیما از این منتهی بود

محض راه فانی گشته سفارت اطریش خیا استی پیش میرفت گشته (میرامار) که حضرات مسافرن
مغزی و شار الیم سوار می بودند گشته سفارت را گشته عزالدین که استقبال دولتی و از ارکان بیات
دولت علیه عثمانی را کب بودند گشته (میرامار) و هفت فروند گشته استقبال گشته (تیوبه) هم قطار
که عبارت از چهار فروند گشته باشد دو قطار ترتیب کرده در پیروی می کردند گشته عزالدین را تعقیب میکردند.
چون در پیشگاه (طرابه) گشته (میرامار) اندکی توقف کرد باقی گشته های نیز توقف نمودند بعد حرکت کرده
بنگامیکه به پیشگاه (مینی کوی) رسید به یک گشته کوچک که بیدق انگلیس داشت بهر سید راه میزد
فشنکهای هوایی از مسافرخانه قریه مذکور به بالا رفاه آسمان شراره فشان سرد میشد.

در پیشگاه میرکون چند فروند گشته کوچک نیز قطار استقبال ملحق شد.

به یک (که رسیدند در پیشگاه مدرسه (روبرت کوچ) اشاکردان را صفت به موقع احترام دید و در بالا
عمارت کت متوج پرده بیدق جمهوری (آنا تونی) را تاشا کرده اند.

از دست که ساعت سه چای یک گذشت بنگامیکه ساحل سرای (طلوبه باغچه) رسید و بنگامیکه توقف را دریا آمدند
و این بین از اسکله کای فروند (استیو) حرکت کرده (استیو) مذکور جناب فانت لضا ب عظم
و جنابان وزیر امور داخله و وزیر امور خارجه که لباس سی پوشیده و حامل نشان (سن آتین) را تقلید کرده
تشریف داشتند.

همیکه گشته (میرامار) رسید جناب دولتمابنیر پاشای ترجمان و ایکه آتسی باشی دیوان نمایان
پیش انداخته گشته (میرامار) رفته بعد از اجرای رسم خوش آمدی از گشته پروان آمده سوار گشته خود شدند

و پائین ملوکانه جایون عودت نمودند .

در حالیکه چند فوج از اسکا کر خاصه و پیشگاه مجلسی طویل باغچه در موقع احترام السیاده سلام میپوشیدند و سوار
محرّمه معری الیهما از گشته پائین آمده بقایای خشت خفته که مخصوصاً از قایقخانه علیحضرت سلطانی فرستاده
و حصه ای که مژم رکاب بودند آنها و جنابان دولتآب سردار پاشا و سعادتآب احمد پاشا و جناب سعادتآب
ابراهیم پیک ایشیک قاسمی وزارت امور خارجه بهمان قایقها سوار شده رو با سکه حرکت کرده و قایقها با سکه
از دیار پروان آمدند سوار (لاندو) های چهار سبه شده بمقابلت (سیندر) حرکت نمودند .

به (لاندو) ی نخستین (پرنس و پرنس) سوار شده سردار پاشا را در پیش خودشان نشاندند و جناب
پرنس الباس سسی خودشانرا پوشیده و حایل اس باتین را تقلید نموده و از گردن شان هم مدال شان
(تواند فور) را آویخته بودند و ملحقین رکاب معری الیهما لباس سسی خودشانرا پوشیده و سینه های خوشنوا
باشانهای کوناگون فریق ساخته بودند .

در (لاندو) ی دوم بازو خود سفیر کبر دولت اطیش و مجارستان نشسته بودند (لاندو) ی سیم نیز
مصاحبه های شانرا در خاتم با جناب سعادتآب ابراهیم پیک افندی ایشیک قاسمی وزارت امور خارجه
نشسته بودند .

در (لاندو) ی چهارم سعادتآب رجوبه / پاشای میر پنج با وزیر پرنس معری الیه میپوشیدند .
و در (لاندو) ی پنجم با جواد انهای مسافر معری الیه سعادتآب احمد پاشا از جواد انهای علیحضرت سلطان نشسته
بود .

در (لاندو) ی ششم طبیب (پرنس) معری الیه و ناخدای گشته (میرافار) و سعادتآب غالب پیک نایب اول
ایشیک قاسمی وزارت امور خارجه نشسته بودند .

آنجا که (پرنس و پرنس) معری الیهما و حضراتیکه ملحقین رکاب ایشان بودند نزدیک پیشگاه عمارت (سیندر) شده
دسته نمونیک خاصه سلطانی با اجرای آهنگ شروع نمود .

مسافری معری و شار الیه که پیش درب عمارت رسیدند و از (لاندو) ها پائین آمدند جناب
دولت و قیامتآب سعید پاشای صدر اعظم و جناب دولت و آیتآب وزیر امور داخله
و جناب دولتآب عاصم پاشای وزیر امور خارجه و جناب دولتآب بنیر پاشای ناظر تشریفات عمومی
بغیر ایشیک قاسمی باشی و از اعیان عملیه خلوت آنها که دائم الحضورند و معیت ملوکانه رسم استقبال
اجرا فرمودند .

علیحضرت سلطان لابس لباس سسی ملحق و تقلید حایل نشان (سن باتین) بودند و منکام و ررو
مسافری معری حضرت سلطان در زیر پله مسافری خود را بنا بر حکم (اگر موا سافر) پذیرفته
و بعد از تعارف بسیار با تشریف برده قطار پرنس و پرنس (و بازو جاش سفیر کبر دولت اطیش
و سفیر پادشاه بزرگ پیک اطاق دعوت فرمودند و آن اطاق غیر از بنیر پاشا ترمیم مخصوص
و ناظر تشریفات عمومی احدی نبود .

بعد از صرف قهوه و شربت از اطاق پروان آمده اول (پرنس) معری الیه شصت و هشتین رکاب خود بودند
با علیحضرت سلطان معری کرده و آنها هم از جناب علیحضرت سلطانی منظر الثقات گردیدند .

ذات اقدس تاجداری هم صدر اعظم و امنا و حضراتی را که حضور آنها از لاندو قوانین ویرینه عثمانی است

به (پرنس و پرنس) معری الیهما معری فرموده بعد از اظنهما محبت الوداع کرده و برگشتند از جناب
علیحضرت سلطانی و مسافران که در استقبال میبودند تا بهمانجا که استقبال گردیدند رسم مشایعت
معل آورده شد .

(پرنس و پرنس) معری الیهما نیز بعد از مشایعت و وداع بهما اثرار سوار (لاندو) ها شده بقصر (شاه)
تشریف بردند بعد از آنکه اندکی آرام فرمایند علیحضرت سلطان نیز محض اجرای رسم خوش آمد
لطفاً با عاده زیارت تمل فرموده عودت کردند .

تشریعت از دسته گذشته تمامی و زرا و امنا و افانم رجال دولت بقصر شاه رسد رسم خوش آمدی

چهار ساعت بغروب مانده بود که (پرنس و پرنس) لباس سحر خودشان را در آورده و لباس عادی پوشیدند
از قصر پروان آمد و بیک (لانده) ی چهار اسبه نشستند .
از آجودانهای سلطان سعادتآباد احمد پاشا و هوید پاشای میر پنج و سیدان بیک و احمد بیک مترپ اول
از نفرین رکاب فیمانه سافین معزی الیها محسوب بودند تمامی آنها سوار کالسکه های دوگانه از راه
(بکگلش) و پل (فره کوی) و راه راسته با بعلی بدرب چهار سوی کپس که در طرف مسجد نور عثمانیه
واقع است تشریف آورده و در آنجا از کالسکه پایین شده و غنیمت احمد بیک افندی معزی الیها
من غیر رسم تعقیبا داخل از درب (چهار سوی بزرگ) شدند احمد بیک معزی الیها انجیب همان اعلیه سلطان
بقصر او مسکن صدقه میداد .

سافین معزی الیها مستقیما به (قاپلیچا پاشای) رفته از آنجا از راه (یشیل چشمه) و (یاغلیچیر) میدان
(دعا) رسیده و از آنجا هم به (ایچ تقفاخر) شده از دکان قدری افندی بعضی اشیا که شرفه نذر نه بخت
عثمانیان و در اروپا تحفیات محسوب است خریدند .

در این بین میر کپس دولت اطیش و مجارستان بازوجه و ترجمان اول خود آمده من غیر رسم بر نفایس این
ملکی شدند .

و از آنجا به راسته صفافان (رفته از دکان حاجی عثمان افندی عتیقه فروش بعضی اشیا خرید کرد و بطرف بک
برگشتند از میدان (دعا) و (باد بازاری) و از پیش کار بازاری (اسکة علی پاشا) و از بازار باغ ووزان
و صفافان گذشته و از جنب (آجی چشمه) برگشته از بازار زرگران گذشته در (قاییشجیر) در پیش دکان
اوسیک قای ارمی اندک آرام کرده بعد از درب (نور عثمانیه) بیرون آمده و سوار (لانده) شده
از راه راسته نور عثمانیه بوزارخانه علوم رسیده و از آنجا رو برسته (ترت سلاطین) کرده جمیع (ایاقینو)
آمدند .

چون عیسف فطر بر میر کپس نصرا و باین جهت بازار زرگران بسته بود تماشای اینجا موقوفی نشدند .
اولاد درون جامع نورالامع با صوفیه را تماشاکرده بعد به بالای جامع مذکور رفته باین نظر انداخته جمیع معین
این جامع لایع الانوار را از نظر وقت گذرانده از مسجد پروان شده کالسکه سوار و به عمارت (طوب قیو) میرفتند
در این بین به (کنت دریا ورن) که یکی از اجزای مجلس معوثان دولت اطیش است بازوجه خود کالسکه سوار
میرفت تلافی شده اظهار التفات کرده نیم ساعت بغروب مانده عمارت (طوب قیو) تشریف فرمود
بعد از تماشای خزانه وقت خود بیک عودت فرمودند .

روز جمعه که بمیت یکم ماه جمادی الاخره است جنابان (پرنس و پرنس) علی الصباح با نفات عمارت (ریلند)
و متعاقبا (پارک) و بعد با صطل مبارکه رفته اسبه های سلطنتی را تماشای فرمودند .

بعد از صرف نهار تمامی سافین لباس رسمی پوشیده بقرا و الحانه (جمیدی) تشریف برده رسم عالی سلام
تماشا فرمودند و کوچ پارازانای و سافین بود .

در این سلام اعلی حضرت سلطان اسب سوار بجامع (جمیدی) تشریف برده و بعد از نماز جمعه کالسکه نشسته
برگشتند .

بعد از تماشای سلام (پرنس و پرنس) بیک (لانده) ی چهار اسبه و مستصحین رکابشان به (لانده) های
دو اسبه سوار شده از راسته تو بجانده سفارخانه دولت اطیش و مجارستان تشریف فرما شدند .
پیش سفارخانه تا بر استه باین با نوع پرده و مید قمارین گردیده بود یک دسته نو زیکیه از اجراس
آهنک میکرد و چهار دسته (زاندا ری) نیز در تحت فرمان حسین افندی مرصک صفت به سلام
و یک دسته پولیس و اثره ششم لباس ملوکی ایستاده موقع احترام می بودند .

تمامی اجزاء سفارت و سفیر کپس بازوجه خود تا بدرب سفارخانه استقبال کرده داخل حیاط سفارخانه
شدند یک دسته سرباز کشته (میرامار) بلا آهنک در حیاط سفارخانه صف بسته سلام می بودند .
و تمامی شاگردان ذکور و اناث مکت (منس) که در جنب سفارخانه واقع است آنها هم در کدو سافین

الیتاده موقع احترام می بودند .

در کچه هم (خزوات) انالی کرواسیا) ناکه در اسلامبول شدند و دسته شده و طرفین بسیار کچه
الیتاده بودند .

چونچی سفارشخانه لباس مخصوص خود را پوشیده و در دست یک عصای بلند که در سر آن علامت رسید
سفارت داشت گرفته بود .

موسبول اولانام پنج خطبه آیت مفی العبارة انجانب عموم تبعه دولت اطراش و مجارستان که در اسلامبول
مشهد با کاله خوانند .

خبر و رود فتنه و توتان قادی مارا سرور و شادمان و اسکت شادی مارا ز دیده اسطاریزان کرد ما خیلی
مشغوف و بختور سیم حضرت شاهزاده معظم و یعهد دولت مخم مارا با حضرت شاهزاده خانم و کمال
عافیت دیده و بشرف حضورتان ناکل شته ایم .

در این تالار بود که با علی حضرت حشمتاب امپراطور و پادشاه معارض عبودیت کرده بودیم .
حیات عبودیتکارانه که در اوقات داشته و حالا هم سیداریم افتخار داریم که همان حیات عبودیتکارانه
بحضرت و یعهد و زوجه محترمه خودشان انضمام مخصوص و بندگی می نمایم .

حضرت مولای تعالی ذات فیضیه حضرت و یعهد و زوجه محترمه شانرا با اقوام و تعلقات اراکله در کوشیه
مصون و نائل عرف و اوان فرمایاد .

حضرت شاهزاده هم جواب لازمه خطاب را دادند .

بعد از عرض شکر (سید اولان) گفت که از انالی اوستیایا و مجارستان آنها که در اسلامبول شدند بجهت شرف قیوم
حضرت و یعهد و شاهزاده خانم محض با و داشت کی قطع (البوم) تهیه و تهذیب کرده من قبول انرا استعدا
می نمایند .

روی جلد این البوم از منحل ایشیای کینک و اطرافش با طلا و نقره مذنب و کلید و حاشیه و وسطه در و جلد

با انواع جواهر قیمته در صحن بود بکته این البوم عموم تبعه اطراش و مجارستان و خرواستان که در اسلامبول
مشهد مبلغ یصد و پنجاه مجیدی خرج کرده انرا بوجود آورده اند .

این البوم را ده نفر خانم از زوجات محترمه تبعه اوستیایا و مجارستان که در اسلامبول شدند نیز در خانم
زوجه محترمه حضرت و یعهد تقدیم نمودند .

در همین البوم یعنی مجموعه تصاویر تصاویر آتیه الکر موجود بوده است .

(۱) دورنمای تاشاچیان سیره (کاخ خانده) .

(۲) دورنمای اندرکلیکی از قهوه خانه نای عثمانی .

(۳) قیافتهای زنان اسلامبول .

(۴) عکس کتب قبرستان اسک علی پاشا .

(۵) دورنمای درونی حصن (سنگی جامع) .

(۶) دورنمای بعضی نقاط خیابان اسلامبول .

(۷) دورنمای حوال خوش کرک .

(۸) صور بعضی از طائفه زینک (زینک طائفه الیت اطوائف ولایت آیدین . مترجم)

(۹) صورت درب چاروی کپر واقع در طرف (نور عثمانیه)

(۱۰) دورنمای وضع و حالت پریشانی مساجدین اسلام که از روم ایلیه غبار باران پرده اند و جوار ایاصوفیه حرفه

شاهزاده خانم مجموعه تصاویر مذکوره را با قبول انظار مهربان فرموده اند در آن بین حضرت و یعهد سینه

به (سیور ژوزف فوننی) رئیس اداره شرکت اشتیانی (لونی) در اسلامبول انظار مهربانی فرموده

بعد از احوال پسری انکارهای شرکت کشکو کردند و همچنین با سلفه از عزیزین انالی اطراش و مجارستان و خرواستان

که آنها را بجهت عرض خوش آمدی قادی تبعه دولت اطراش و مجارستان ساکن اسلامبول انتخاب کرده و بخدمت

حضرت و یعهد فرستاده بودند که کشکو کرده و احوال پرسیدند .

بعد از تشریفات بیکر و دولت معظمه معترفی معتبران تبعه دولت خود را کرده و ملوینو روتیله خلیفه
کاتولیکان اورد ب (از آماران) افندی وکیل بطریق کاتولیکان عثمانی و خا خا م باشی فی ملا با ششی جووان
آمده بعد از اظہار امانت و سرور خا خا م بپشے ہر دو دست بسوی آسمان برداشته بعد از دعا و ثنا
لفق آتی را گویا شد

جناب فخرت باب شاہزادہ حسیات رعایتکارانہ خود را اصالتاً و عرض عبودیت ملت خود و
و کالتہ بتقدیم حضور فخرت باب جہارت کرد و عرض سامی میرسانم و خود و افراد فوق الذکر بخوشیام
امروز کہ واسطہ تقدیم عرض عبودیت ملت خود این دعا گوشت

در سایہ مراحمو ایہ بتبع نعم و پادشاہ معظم اقای کلمہ علی حضرت شوکتآب (عبد الحمید) خان ثانی است
قائم حمدیان من بظہر نعم آسایشند و مثل ہیو دیان ممالک اطیش و جہارتان نال مل سعادت فیہ
و حمایت قویہ اند

ہمیشہ دعای این ملت قدیم قادی ایام عمر و عافیت و بقای و ارتقای شوکت و قدرتی حال تبعہ مملکت
این دو امپراطور کہ یکی علی حضرت (فرانسوا ژوزف) شہنشاہ اطیش و پادشاہ مجارستان و یکی ہم
اعلی حضرت عبد الحمید خان ثانی شانش کل ممالک عثمانیان است و از خدا یخواہیم عز و اقبال و شوکت
و اجلال حضرت ولید و زوجه بچیہ او را از جمیع آفات سماویہ و ارضیہ مصون فرمایند و سایہ حما و ایہ
آہنار از سر ہم مذہبان من کہ نکر دانند

بعد از این خطابت شاکردان دگور دانات مدرسہ انس) قصیدہ خواندہ و ترنم شد قادی حضرت
رسم تعظیم را ایفا کردہ و رفتند

چہا ساعت بعد از بماندہ بود کہ سفرای دول مقیم اسلامبول محض زیارت از قرار تپ ذیل تشریف
بعد از عرض خلوص بحضرت ولید و شاہزادہ خانم خودت فرمودند

سفر اسپانیا بازو جہ خود و سفیر رومانیہ سفیر صربستان سفیر انگلیس سفیر یونان

سفر المان سفر ہولاند سفر بلژیک سفیراتیائی با زوجه خود سفیراتیائی سفیر فرانسہ
سفیر ایران سفیر سوڈان و سوڈان کارکندار قرداغ

چون در ہمین روز کہ از برای حضور سفر قرار دادہ اند گویا روز بزرگ مذہب ارتودوکس بودہ و در این روز
بجہ اجرای این سفر روس بکلیسارفتہ ثوانتہ است کہ زیارت حضرت ولید پاد

(سفیر یونان و صرب) کارکندار قرداغ ہم (ارتودوکس) مذہبہ طور شدہ کہ اینہا آمدہ و سفیر روس تشریف نیاورد
این را بہمانہ ساختہ است ترجمہ

بعد از رفتن سفر از مابین مایون اعظم حضرت سلطان بچیہ حضرت ولید و شاہزادہ خانم حضرتی کہ مستحب
معرفی الیہا مستند از قرار ذیل نشا فرستادہ شد

از برای حضرت ولید امپراطور اطیش و پادشاہ مجارستان
نواب عالیہ استغانی زوجه حضرت ولید و پادشاہ بزرگ

(گفت و دو بویل) وزیر و ناظر امور ذاتیہ حضرت ولید

(گفت پانی) وزیر و ناظر امور ذاتیہ شاہزادہ خانم

(گفت نادوک) ناظر امور داخلہ شاہزادہ خانم

(گفت پانی) از (ادام و پوز) نایب شاہزادہ خانم

(گفت مزدوکی) اجدان والیشیک قادی بپشے حضرت ولید

(گفت بونج) اجدان پیش خدمت باشی حضرت ولید

(گفت و ویراند) مرتب دوم و اجدان حضرت ولید

(کاپیدان فایہ تتر) ناخدا کی شستہ میرا

(دو کتر لانی) طبیب حضرت ولید

بعد از حسن قبول نشا نمای مذکور حضرت ولید و شاہزادہ خانم و مابین رکاب لباس رسمی خود شاز

نشان عثمانی مرصع

نشان شفقت مرصع

نشان عثمانی از درجہ اولی

نشان جمہدی از درجہ اولی

نشان شفقت از درجہ اولی

نشان شفقت از درجہ ثانیہ

نشان جمہدی از درجہ ثانیہ

نشان جمہدی از درجہ ثانیہ

نشان جمہدی از درجہ ثانیہ

نشان جمہدی از درجہ ثالثہ

در آورده لباس عادی پوشیده سه ساعت بخواب مانده بود که بیک (لانگو) ای چهار اسبه سوار شده
از راه راسته که قبل از ورود سافوین از سفر شخانه تابیک او غلبی بازرگود و ستویه نمودند بیک او غلبی و از اینجا
مسیره (کاغذخانه) تشریف بردند .

امروز هم در رکاب حضرت ولیدباشخا می‌که دیروز مستحب رکاب بودند شریف دارند و علاوه از اینها غنای عارف پیک و سالم پیک سزپ دوم و ثو قتاب فائق پیک و احمد پیک یاور و حجت‌آب احمد شاکر پیک سلطان از اجداد انهای اعز حضرت سلطان و از اولیای افواج خاصه نیز احمد شاکر و حاجاب و احمد و رفیع اله و جانشان موجود بودند .

شاهزاده خانم و ذوقیه خورشید در نشین علی العاوده (لاندو) و حضرت ولیعهد نیز پیش آنها رو بر و نشسته بودند .

انگاه که حضرت ولید و عترتین رکاب از سفر انجمنه بزورن می آمدند یکدسته سوار یک شتر و بجای آنسنگ که حضرت ارم صدای (وای) را با فداک رسانیدند .

از سفارشخانه فی تقسیم هر دو طرف راه مردم در کمال سکوت و احترام ایستاده تا شام میگردند و یکی از سافین
محرّمه از طرفین رکاب عثمانیان پرسیده اند که چرا در مملکت شما مثل ممالک مالک (ویوا) رعایت
نکرده اند و در این مورد سکوت را اختیار نمایند انشخص سائل گفته که نه در مملکت ما بلکه در تمام ممالک اسلام
در چنین موارد و همه و صدای بلند را از بی احترامی و ازستی دانسته همانها و برکان خودشان را در کمال سکوت
و آداب استقبال پذیرائی کردن را از جهت آداب و توقیر میدانند حتی درین موارد خندیدن و یکدیگر را این فرست
و آن طرف کردن هم از جهت عایب است ماری

مسافرن محترمه ما بدون توقف مستقيماً (کاغذخانه) را التشریف و داخل قصر بایون شدند .

1

انہو سے از غیبت ان اہالی و تبعہ خارجہ شریفہ اشعد.

مدعویین تمامه لباسها می سکینن خودشانرا پوشید حضرت ابو عبد الله (ع) مصححان را واثق از او را و خاتم النبیین
نشان مصحح شفیقت را از گردن آغوش نمود و محض احترام مت عثمائی تمامی مسافین سربای خودشان را و عثمانی گذشتند

حضرات مدعوین در سفره و ترقیب آتی نشسته بودند

امام پاشا
صدر اعظم
زیر منبر المور
حضرت علی
المربط
زیر منبر
سفر دولتی
کنس طارو
خاروا

[illegible]

امروز که روز چیست دوم ماه جمادی الاخر و در شعبه است قاضی سافین محترم لباس عادی پوشیده از قرار
سازایام سوار (لاندو) نمائند تا پیشگاه (طولینچه) رسیده و از اینجا (لاندو) با پانین آمده و استمپوئی
بجبهه رکوب سافین در کشته سازخانه تازه ساخته در یک سفید زده بودند سوار شده قیما به (اسکله)
تشریف بردند.

در (اسکله) سوار دو دسته ژاندارمری و دو دسته سرباز در تحت فرمان قیما تیورافندی
سرمشک و قیما تاب سلیمان آقای یاور صف بسته سلام نمودند.

حضرت ابو عبید و رنجه محترم خودشان سوار (لاندو) ای چپار سید و سافین هم سوار سرب شده از راه
ابل دره سی (و مشاطی) و (طونجانه لی اوغلی) و (ملت باغچه سی) و (اصاری قیما به اقسق) و از اینجا
به بالای تپه چالچ (رفته و بعد از اندک آرام از راه راست (طونجانه لی اوغلی) برآمده (پیکر کی) برگشته
ست قیما شار ت پیکر کی را تشریف فرما شدند.

بعد از صرف قهوه و شربت باز به (استمپوئی) سوار با حل و از اینجا هم (لاندو) سوار بشارت (میلند)
تشریف آوردند.

بعد از صرف نهار و انگه استراحت بارگاه اسکله سوار (طولینچه) به (استمپوئی) راکب شده
سه ساعت و یک ربع لغروب مانده توپخانه را تشریف فرما شدند.

در میدان توپخانه چند دسته از افواج مهندس ایستاده و موقع سلام بود جناب و تمام عیال سانیان
شیر توپخانه و جناب سعادتآب سعید پاشای فریق و رئیس توپخانه و سعادتآب احمد پاشای میرنج
استحکامات و سعادتآب ادم پاشای میرنج رئیس کارخانجات و توپیکر قیومجیان افندی
مترجم توپخانه سافین محترم را تا از سبزه یا استقبال کرده و تمامی آجودانها و نقطه سلام رسانده بودند.
حضار بدون توقف داخل توپخانه شده کارخانجات را با وقت تمام تماشا کرده بودند.

از دربارخانه بزرگ که داخل شدند توپهای (کروپ) و (ناون) و (مترالور) تا که در کارخانه
توپخانه و منور بموقع لازم گرفتند و هر دو طرف و الان کارخانه بزرگ گذاشته و کولهای کونکون را
در یک موضع مهندسی سر یکدیگر جمع آوری کرده بودند تا تماشا فرموده و تحسین خلان شدند.

داخل کارخانجات که شدند کپیر و صیغرانای توپخانه را که هر یکی در سر یک چرخ مشغول کار بودند با کمال وقت
تماشا کرده و وضع و پاکیزگی خست و کارهای آنها را دیده و پسندیده بعد از آنکه فمیدند قاضی انیما عثمانی وزارت
اسلام شدند شاخون شدند.

کارخانه بزرگ دو سال قبل از چوب و خنی مشک بود و حالا قاضی ستونهای کارخانه را از سنگ ساخته و ستونهای
مذکور را از بالا بتیرهای آهن پیکر یکدیگر ربط کرده و معافی خنی وسعت داده اند.

بعد کارخانه لشکرفرمانه و کیمیکخانه و قوداقخانه و سایر کارخانه بار تماشا کرده خنی مشغوف
از ترقیات کارخانه جات شده و باموین توپخانه اظهار خشنودی فرمودند.

از اینجا به (اکسپریسون) اسلحه تشریف برده از اهلش تانکهای تیر پرواز و نیزه قدیم تانکهای و اسباب
مقاویه و جراحه حاضر تماشا کرده و لشکرها (ویرو و لور) تا که از مصنوعات کارخانه ماست هم حضرت
و ابو عبید و هم نواب عالیه یکان یکان دست گرفته تماشا کرده و تحسین خلان شدند.

بعد از تماشای جانای دیگر بقصر توپخانه و از اینجا هم بالای قصر عروج فرموده اندکی با طرف نظر انداخته بعد قصر را
تشریف و میل بصرف عصرانه فرمودند.

در عصرانه شربتهای برقال و لیمو و انواع ناهای شیرین و غیره بود.

حضرت ابو عبید از حسن انتظام و ترقیات صناعیه کارخانهای توپخانه جدا اظهار منونیت و خنی تسلیش
میفرمود.

در حین غزیت جناب و تمام عیال صاحب پاشا و یکصد و یک جفت (ویرو و لور) هفت نفر
بحضرت ابو عبید تقدیم کرده و حسن قبول آنها را از جانب قاضی امالی توپخانه استمداد نموده و حضرت ابو عبید نیز

مونسور روتیله را جنب کلبی من با کشت بوسیل کنت پانی مادام لکنس طاروقا
 مادام لکنس پانی کنت مترو و سکی کنت فوستیخ کنت دور میراند و کنت لانی برون سوبده مک
 سیو فونی سیو اولار سیو چونت پخی پاشا سیو لوجولی فونول خزال برون نان
 مادام لارون نان ناخدا کی کشت میرانار سیو ریشچاقی سیو ده کیاری خزال فونول خزال
 سیو چوقریا فونول اورنه سیو ناورون سیو لوکنت دوسکی مادام لکنس پانی
 سیو ویمش سغارت مادام و بنو برون قال ترجم سغارت مادام لارون قال
 سیو یا شو ترجم سیو مانا قاتل سبلر

سیامه نور اکهای مهمانی مدکور

آش بزرگ متیخ تینی ماهی لورک کباب گوشت کوساله کباب کمان
 سرخ کرده جگر حلوائی الوبالو پونج شامپا نیادار سرخ کرده سلون (مغی است مخصوص
 به اروپا . ترجم) صالاد کاسو بودینکا بسته
 در ختام مهمانی قاضی مسافین بقدر کیاست و نیم مصاجت شبانه کرده بعد همه در منزل خودشان
 عودت نموده و حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم هم بعبارت (سیدرز) تشریف فرما شدند
 امروز که روز پیرست و نیم ماه جماد الاخر و در یکشنبه است حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم کفایت
 سفرای باقیه قارت ویزیت داده از دسته دو ساعت و نیم گذشته بود که سوار یک لاندوئی
 دو اسبه شده از راه اسکله سرکچی (در استه باغالی با لمر و به پیش سفارشانه دولت علیه ایران
 تشریف آورده بعد از توقف اندکی کارت ویزیت داده بعد از راه وزارتخانه علوم در پیشخانه
 وزیر امور خارجه توقف کرده و کارت ویزیت را تودیع نموده اند

از دهمه سه ساعت گذشته بود که در کلبی صلی ماری واقع در راه راست لیکپ او غنی
 در رسم دعای (مس) حاضر بودند

نهار را در کشتی خودشان که میرانار نام میل فرموده از دریا حول و خوش (قوم قیو) و (یکتی قیو) و
 (آخور قیو) و بعد عمارت عالییه طولیه باغچه را قاشا کرده در مدی قله پروان آمدند
 حول و خوش (مدی قله) را بعد از قاشا سوار اسب شده از خارج قلعه به (ایوب انصاری) غلبه
 رفته ولی به قصه داخل شدند

مقبره محمد علی پاشا وزیر امور بحریه اسبق مرحوم و زوج عاقله سلطان را که در بهستان اسکله سی واقع
 زیارت کرده بعد سوار قافق لبش حفته شده سه ساعت بغروب مانده بعبارت مخصوص خودشان
 بالعا و ده تا صبح استراحت فرمودند

امروز که روز پیرست و چهارم ماه جمادی الثانیه و روز دوشنبه است مسافین مترمه ماعلی الصبح
 از (اسکله طولیه باغچه) سوار (اسمبوط) شده بکقوز (تشریف از اینجا هم به بالای کوه) (یوشع) رفته
 اطراف و انجای اسلامبول را قاشا نموده اند

بعد به (سیوک) در آمده در سفارشانه خودشان صرف نهار و استراحت فرموده از اینجا به قریه (ابنرا)
 کویت رفته و کمرای آب اسلامبول را قاشا کرده اند

در آشنای عودت یعنی که بجهت خانه سیکل سفارت دولت طریش اعظمه سلطان بخشیده بود و نظر
 گذرانده و بطرف نتیجه مهمانی اعظمه سلطان بعبارت (سیدرز) تشریف فرما شدند

مدعوین این عمارت عبارت از همان اشخاص میبودند که در مهمانی شین حضور داشتند مشرب
 از جانب سنی الجواب اعظمه سلطان به حضرت ولیعهد سجد (البوم) خلی فیس و کرالها اسکله کرد
 صورت و اشکال یک از (البومها) عبارت از صورت و زاری قدیم و جدید باغالی و مابین آنها یون بود (البوم)
 دوم هم صورت و اشکال اقوام و طوایف که در زیر تابعیت عثمانی بوده و شش جلع بود (البوم) سوم
 صورت و اشکال مواقع مهمه و آثار حقیقه و ابنیه فیه ممالک عثمانی مین میسخت

از این (البوم) سوم در نزد همایون فقط سه جلد بود که یکم پیش از این با عیضت امپراطور المان امپک

و کیرا هم این دفعه بخت و ولع را عطا فرموده الان از آنها یک نسخه نفیسه در نزد همایون مانده است
امیدواریم که فرمان صادر شود و از روی اشکال محفوظه آن عکس گرفته شده اشراف فرمائید .

از روز که در رسته شنبه میرت و پنجم ماه جماد الثانیه است شش و یازده حضرت مسافین معزی و مشار الیه
سوار (الاندو) شده سه ساعت از رسته گذشته بود که از پل آسن عبور فرموده از رسته با بعالی
بقبر خاقان خلد آشیان سلطان محمود خان ثانی رفته بعد از زیارت از راه دیوان یولی به جامع سلطان
بایزید تشریف و جامع نورالعبد کور را تماشا و شخصی قاره که از چشم بینا در محفل جامع شریف قرآن
تلاوت میکرد مدتی ایستاده گوش کرده بعد از آنکه از جامع بیرون آمده از تسبیح فروشان که در صحن جامع
شریف مذکور میشد از سر کونه تسبیح چند دسته خرید و چینی تحفه از وضع نگاه داشتن مساجد اسلام
فرموده و از رسته چهار گذشته بود که به باب والای سرکری = وزارت جنگ تشریف بردند .

در اینجا بعد از ملاک عثمانی و رسته از عرض و ایضاح است که در وقت ضرورت یعنی از این قبل اشخاصی
که میخواهند مساجد داخل شوند بر مساجد کفشی سب خنی نازک و خوش ترکیب که قبل از دخول پیش سائین
گذاشته و آنهم از روی بوقین پوشیده مسجد داخل میشوند بعد از تماشا گذشتن آنها را کنند میروند
چون این قاعده اسلام را تمامی بزرگان اروپا و سیاحت در این باب ملحوظ نمینمایند . و آنها که دین دارند
مبین قاعده پسند کرده تحمید مینمایند . ترجمه

در میدان باب والای سرکری چهار رسته از عساکر سلطنتی صنف بجهت احترام بود جمع کثیری هم از انانی
در کمال سکوت و سکونت ایستاده تماشا میکردند .

جناب دولت و عظمی قشاک عثمان پاشا غازی وزیر جنگ و جناب سعادتآباد عارف پاشای امیر تومان
فرماندان قاضی ساختوی اسلامبول و سائر امارکان و صاحب منصبان بزرگ تا از دم در بسته قبال کرده جناب
وزیر جنگ معزی الیه را داخل شاهرزاده خانم گرفته و به اطلاع محض بوزیر جنگ است با حضرت ولعبد
و غیره برده رسم پذیرائی آنچه شاید و باید است بعمل آورد بعد صرف قهوه و شربت و شیرینی و کیک و شیرینی و قند

لقبصر مخصوص اعلیحضرت سلطان که در بالای لطاق وزارت جنگ است برده بعد از تماشا باریطاق در جنگ
آمده بعد از آنکه توکفت و تماشای سربازخانه و مریضخانه و مسجد و حمام و اسلحه خانه از وزارت جنگ عودت
فرمودند جناب وزیر جنگ در عودت هم نعل شاهرزاده خانم را گرفته بودند .

حضرت ولعبد و ولعیکه میخواستند سوار کالسکه شوند محظوظیت خودشان را بواسطه احمد پاشای آجودان
بجناب وزیر جنگ ابلاغ فرمودند

چهار و نیم از رسته گذشته بود که از وزارت جنگ بیرون آمده از راه (اوقیت پاشی) و (صدیق پاشی) و از رسته
(باغالی) به (الکله سرکری) شدند و آنجا از کالسکه پائین آمده سوار (استمبول) شدند و کشتی میرا که مخصوص
خودشان است تشریف بردند .

بعد از صرف نهار در کشتی به کورسوار (استمبول) شده به (اطولیه باغچه) آمده و آنجا هم سوار (الاندو) به مولو بخانه
عظمت رفقه بعد از تماشای پروانه های طلای روم و گوش و ادکلن و قدوم به عمارت (سلیله) عودت فرموده
خودشان در قصر شاله مانده شاهرزاده خانم به اندرون همایون تشریف برد و پیش از همه مقام والده سلطان
دیدن کردند ترجمان حرم همایون که در خراب عظمی قشاک ارتین افندی پاشا و وزارت امور خارجه
وسی مجیدی میبایست داشت و زبان فرانسه و آلمان و روس و انگلیس و ایتالی و یونان و آلمانی و ترکی و خلی جنوب
میدانند در اندرون همایون ترجمانی کرده و تمامی اطعمه های اندرون و خزانه و کتبخانه و باغ مخصوصه را گشته
و لباس و خنجر و خنجره های سلاطین و خنجره های بکال وقت از نظر حیرت گذرانده اند .

بعد از زیارت خانم باریطاق مقام والده آمده خانمها هم در لطاق مقام والده سلطان رسم بار دیدار
بعمل آورده اند .

چون دختر ارتین افندی ترجمان حرم همایون در امور مأموره خود شاهرزاده خانم و خانمهای
اعلیحضرت سلطان را و علی الخصوص مقام ممد علیا را از خود راضی کرده و حرکات و سکناتش
موجب خوشنودی اعلیحضرت سلطان شده است حکمی بوزارت خارجه صادر شده که بن بعد

بترجمه مشارالیه ماسی پنجاه مجیدی طلبه بدیند و یکقطه نشان شفق از درجه دوم بشار الیه محبت
گردیده است .

کیساعت ونیم بغروب مانده بود که سفیر دولت اطریش و سفیر دولت بنگالیک به حضور حضرت قیام
آمده بودند کیساعت بغروب مانده ام حضرت ولیعهد لباس نیم سبی پوشیده از قصر (شاه)
پایین آمده و با شاهزاده خانم سوار (لاندو) شده به پایین همایون آمده با علیحضرت سلطان رحم
و دواع را بجا آوردند .

در این مورد جناب فاقهتاب سعید پاشای صدر اعظم و جناب دولتماب عاصم پاشای وزیر
امور خارجه و جناب میر پاشا ترجمه مخصوص و رئیس دارالترجمه و الیشیک قاسمی پاشای
حضور داشتند .

بعد از ایفای رسم و دواع حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم جناب دولتماب سرور پاشا را با هم کشته
سوار لاندو شده بساحل غارت طولیه باغچه / نزول اجلال فرمودند و از آنجا به قایقهای
نخ بخته نشسته بکشتی میرامار التشریف بروند .

از جمله فرمایشات علیحضرت سلطانی است که جناب دولتماب سرور پاشا و جناب سعادتآباد
رضا پاشای امیر تومان و آجودان حضور همایون که در سابق هم در رفاقت حضرت ولیعهد
به بیت القادسی رفته بود در رفاقت حضرت ولیعهد بر سر رفته بعد با هم بابل مبول معاودت
نمایند .

در هنگام عودت ثقط جناب سعادتآباد رضا پاشا و جناب سعادتآباد ابراهیم پیک افندی
الیشیک قاسمی وزارت امور خارجه و سعادتآباد احمد پاشای میر پنج بخته مشاییت تا واره
در کشته غالدین مانده سارین پرون پیند .

از جناب حضرت ولیعهد در شب و در کشتی میرامار یک مهمانی داده شده و در مهمانی مدکور

جناب دولتماب میر پاشا و عاصم پاشای وزیر امور خارجه و سرور پاشا و غیره حضور داشته اند
بعد از مهمانی میر پاشا و عاصم پاشا اگر کشته پرون آمده و اسلامبول رفته سافزین هم مستقیماً به مداینه
که اسکله برو سرست حرکت نموده اند روز چهارشنبه که بیت و ششم ماه جمادی الثانی است
در طرف صبح کیساعت ونیم بدسته مانده ملنکرگاه (مداینه) انکر انداخته و تمامی میات ولایت
بجته استقبال در اسکله دیده بودند والی ولایت سوار (استیپو) شده و طرف کشتی رفته بعد از
ایفای رسم خوش آمدی متضر شرف قدم علی بودن حضرت مستقبیلین را بعضی ایشان بنیاده
و حضرت هم اندکی توقف نمودند و با بیان فرموده بود که در این بین اقبه خبر محرف المزاج شدن شاهزاده
رسیده و حضرت ولیعهد با قامت که مغزی الیه مارفته بعد بواسطه سفیر کپه دولت اطریش معذرت
خواسته و پرون تشریف نیآورده اما اجازه بر سر رفته سارین ارزانی فرموده بودند جناب
اصالتآباد ربارون کالیس (سفیر کپه دولت اطریش) از دسته دو کشته بود که من غیر رسم از مداینه
سوار کالیکه شده چهار دسته کشته با بعضی شرمین رکاب حضرت ولیعهد بر سره داخل شد
و بعد از زیارت مقام ولایت دانه بلدی (میکرکی) تشریف آورده بعد از صرف نهار بکالیکه نشسته
بهر قبر حاجی سلطان محمد خان (و عثمان غازی) و او او را و خان غازی (و میلدرم بایزید خان) رفته
بعد از عودت به (قولنولاتی) خودشان غنیمت نموده بعد باز از کرامه مار کشته چهار ساعت بغروب
به (مداینه) تشریف بروند .

همان شب کشتی غالدین و کشتی میرامار با قایل و بید قهای رکارک نین گردیده و از جناب والی پاشا
در کشته غالدین مهمانی خوب مسافزین محترمه داده شده و بوسیلهای هر دو کشتی اجرای آنک
کرده و آتش بازی خوب بعمل آورده شد .

در همان روز حضرت ولیعهد اطراف دریای امره را از دوریا تا شاموده و در ساحل (مخیاچ) پرون
قدری هم شکار کرده اند .

رو چرخ شنبه که میرت و مقیم باد جمادی الثانی سرت مسافرین محترمه ماعطی الصباح از (مدانیه) به
اسلامبول آمد و متعاقباً از جناب سنی الجوانب علی حضرت سلطان جناب دولتآب میرپاشای
مترجم حضور و جناب دولتآب (ماورینی) پاشای حکیم باشی بکشتی (میرامار) رفته و سلام علی حضرت
سلطان فرارسایند و از شاهزاده خانم احوال پرسید و ابلاغ نمودند که علی حضرت سلطان خلی ثانی
پیشامد اگر تشریف آورده تا آنکه شاهزاده خانم کا ملا وقع کات نماید دعارت اشاله مخصوص
بوجود شماست استراحت فرمایند.

بنابر این التفات علی حضرت سلطان حضرت ولیعهد و شاهزاده خانم اظهار ارمان و تشکر کرده
بعد از تقسیم و دوا نامه سه ساعت و نیم از روز گذشته از بغار بجز سیاه عبور نمودند.
در حین مرورشان از بغار از قلاع و استحکامات توپها شک کرده و عساکر سلطانی بهم منصبه
در موقع سلام ایستاده احترام لازم را بجا آوردند.

خدا تعالی سلامتی را از زبان من بیاورد

بیامه هدایا است که بجهت ولیعهد و شاهزاده خانم علی حضرت سلطان ایستاده فرموده شده است
نشان عثمانی مرصع ^{عدد ۱} نشان شفقت مرصع ^{عدد ۲} جعبه سیکار مرصع و کران بها مجموعه تصاویر مرصع
تاج مرصع بجهت شاهزاده خانم ^{عدد ۳} اسب عربی سیاه بجهت رکوب ^{عدد ۴} صندوق باصدف خاتم کاری
نیم کتف باصدف خاتم کاری ^{عدد ۵} آئینه بدن کا باصدف خاتم کاری ^{عدد ۶} میر و قونول باصدف خاتم
قالی از معمولات اناتولی ^{عدد ۷} قوه مین ^{عدد ۸} توپون ^{عدد ۹} سیکار ^{عدد ۱۰} ساخته
از قشش شام و حلب و دیار بکر و خروپوت ^{عدد ۱۱} عبای وان و بغداد و شالی انکورس
آنها عتیقه که در موزه امشال داشتند ^{عدد ۱۲} طپانچه مفتضله ^{عدد ۱۳} و غیره ^{عدد ۱۴}

از جناب حضرت ولیعهد سلع یکیدار لیره که معادل دو هزار پانصد تومان پول ایران است
بر لایحه عجزه زمان امدا و قبض باید کار تا نیز به همانندارهای خودشان عطا فرموده شده است.
نظر بر نامه های این هفته جنرال توئل روس در بلغارستان و غیر روس در رومانی اغمار
تأیید نموده بدیدنی حضرت ولیعهد رفته اند و کویا از این سفر حضرت ولیعهد بشرق زمین دولت
روس افسرده خاطر شده اند

ترجمه بنده بمقدار محمد عارف منشی و مترجم دار ترجمه بسا که
خاصه بنایونی از روزنامه

اسلامبول
۱۳۰۴

